

تعریف انقلابی بودن در فرمایشات رهبری - ویرایش دوم

فیش‌های اطلاعاتی زیر از طریق جستجوی چند کلیدواژه مانند: «روحیه انقلابی»، «انقلابی بودن»، «انقلابی ماندن» و «انقلابیگری» در سایت Khamenei.ir استخراج شده است. با توجه به تعداد کم کلیدواژه‌ها، نمی‌توان گفت تمام آنچه در موضوع «انقلابی بودن» مورد نیاز است، به دست آمده. بلکه در فرصت‌های وسیع‌تر، با استفاده از کلیدواژه‌های بیشتر و مترادفات، این امکان وجود داد که مطالب مرتبط بیشتری بتوان استخراج نمود. لکن در زماننا هذا، با توجه به سرعتی که مدّ نظر بوده، این فیش‌ها می‌تواند کافی به نظر برسد، تا ما را با نظرات مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) درباره شاخص‌های انقلابی بودن آشنا نماید.

فهرست عناوین

۱. تعریف انقلابی بودن حوزه

- ۱/۱. اشتباه در معنا کردن «انقلابی بودن» به فریاد و اعتراض سر مسئولان
- ۲/۱. «انقلابی بودن» به معنای فریاد کشیدن سر آمریکا و قدرت‌های مزاحم اداره نظام
- ۳/۱. تفکیک‌ناپذیری ارزش‌های اسلامی از ارزش‌های انقلابی
- ۴/۱. عدم امکان «انقلابی غیراسلامی» بودن یا «اسلامی غیرانقلابی» بودن
- ۵/۱. عدم منافات منطق و برخورد منطقی با «انقلابی بودن»
- ۶/۱. مساوی نبودن «انقلابی بودن» با پرخاشگری بی‌دلیل
- ۷/۱. «انقلابی بودن» به معنای حفظ قاطعانه و بدون رودربایستی مواضع اسلامی و انقلابی
- ۸/۱. «انقلابی بودن» به معنای مرعوب و خام نشدن و فریب نخوردن از قدرت‌ها
- ۹/۱. «انقلابی بودن» به معنای مواجهه شجاعانه و قدرتمندانه با قدرت‌های بزرگ در صحنه سیاسی
- ۱۰/۱. منافات نداشتن «انقلابی بودن» و حضور سیاسی، با مشغول بودن به درس در حوزه
- ۱۱/۱. «بی‌تفاوتی نسبت به انقلاب» یعنی عدم تأثیر انقلاب در فعالیت‌های جاری حوزه
- ۱۲/۱. «حزب‌اللهی بودن» به معنای آمادگی برای انجام تکلیف الهی، بمثابه ارزشی انقلابی
- ۱۳/۱. مرجّح بودن افراد واجد روحیه حزب‌اللهی نسبت به سایرین، در همه سطوح نظام اسلامی
- ۱۴/۱. پرهیز از تصوّر نادرست «بی‌سواد» بودن همه جوانان حزب‌اللهی و صرفاً پرسروصدا و پرهیاو بودن آنان
- ۱۵/۱. ضرورت آشنایی نسل امروز با تاریخچه دو‌یست‌سال اخیر، برای انقلابی ماندن
- ۱۶/۱. «انقلابی بودن» به معنای ایستادگی در مقابل دشمنان و بدگویان و طعنه‌زنان به انقلاب
- ۱۷/۱. مساوی بودن «انقلاب» با «ایمان»، «اعتقاد» و «دین»
- ۱۸/۱. وجود نداشتن «نوبت من تمام شد» در اسلام و انقلابی بودن
- ۱۹/۱. مساوی بودن «انقلابی بودن» با «اسلامی بودن» با توجه به هدف انقلاب
- ۲۰/۱. هدف از انقلاب؛ رسیدگی به وضع مظلومین و عمل به فرایض، احکام و سنن الهی

- ۲۱/۱. «انقلابی بودن» به معنای افزایش فاصله با دشمن
- ۲۲/۱. کم کردن فاصله میان برادران معتقد به ارزش‌های انقلابی، به معنای «انقلابی بودن»
- ۲۳/۱. وجود دو نوع انقلابی در ابتدای انقلاب؛ انقلابی مثبت و انقلابی منفی
- ۲۴/۱. فرار از میدان کار و تلاش و حرکت و دوری از دردسر، شاخص انقلابیون منفی
- ۲۵/۱. وجاهت‌طلبی و راحت‌خواهی و شعار «من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب کرده‌ام»، ویژگی‌های انقلابی منفی
- ۲۶/۱. خرج کردن آبرو و حاضر بودن در میادین خطر، شاخص انقلابیون مثبت
- ۲۷/۱. منفی‌بافی و برخورد اپوزیسیونی از نشانه‌های انقلابی منفی
- ۲۸/۱. خود را مسئول دانستن نسبت به انقلاب و وارد میدان شدن، ویژگی انقلابی مثبت
- ۲۹/۱. «روحیه انقلابی» به معنای اسیر حدود تحمیلی نشدن و با امید به دنبال هدف حرکت کردن
- ۳۰/۱. بانشاط و با انگیزه بودن و برای رسیدن به اهداف انقلاب اصرار و پیگیری کردن، نشانه حرکت انقلابی
- ۳۱/۱. انضباط انقلابی؛ برترین و قویترین انضباط
- ۳۲/۱. امری مستمر و دائمی بودن انقلاب، به معنای سازندگی، رویش و بالندگی
- ۳۳/۱. عدم امکان رویش و بالندگی بدون انضباط، قانون و نظم
- ۳۴/۱. روی دادن بی‌نظمی‌های اول انقلاب به دلیل ضرورت به هم ریختن بناهای غلط، کج و پوسیده گذشته
- ۳۵/۱. نیاز به داشتن «هویت انقلابی» برای ماندن در مسیر انقلاب
- ۳۶/۱. نیاز داشتن «انقلابی بودن» به عزم، ایمان و ثبات قدم
- ۳۷/۱. تمثیل «برگشتن از راه انقلاب» به «شکستن روزه پیش از غروب»، مانند کسی که از ابتدا روزه نگرفته
- ۳۸/۱. تعریف «روح انقلابی» به روح حرکت به جلو، روح پیشرفت، روح ابتکار و نوآوری
- ۳۹/۱. «انقلابی ماندن» به معنای پیروز برآمدن از فتنه و نجات دادن خویش از آن
- ۴۰/۱. فروافتادن انقلابیون به فتنه و باطل کردن گذشته خود با بی‌بصیرتی، نشناختن فضا و تشخیص ندادن حق و باطل
- ۴۱/۱. «انقلابی بودن» به معنای منصف و عادل بودن و ملاحظه کردن طهارت دل و عمل
- ۴۲/۱. منافات داشتن ظلم به دیگران در گفتن حرف‌های نابه‌جا و غیرمنصفانه درباره آن‌ها، با «انقلابی بودن»
- ۴۳/۱. «انقلابی بودن» به معنای بصیر و بینا بودن و درک پیچیدگی‌های شرایط زمانه
- ۴۴/۱. ضرورت رفتار منطقی و عقلانی برای «انقلابی بودن»
- ۴۵/۱. حضور در صحنه و سینه‌سپر کردن در مقابل دشمنی‌ها، ویژگی روحانیت انقلابی و مسئول
- ۴۶/۱. کینه‌ورزی دشمن و عناد با حاکمیت فضای انقلابی بر کشور
- ۴۷/۱. اهل فعالیت و عمل بودن «طلبه انقلابی» و اهل تسویف نبودن و کار امروز را به فردا نیانداختن
- ۴۸/۱. ضرر کردن و منحرف شدن از خط امام (ره) در صورت زیرپا گذاشتن «اخلاق» به نام «انقلابی بودن»
- ۴۹/۱. انحراف از خط امام (ره) در صورت اهانت به برادر معتقد به اصل نظام، به نام انقلابی‌گری و عدالت‌خواهی
- ۵۰/۱. «انقلابی بودن» به معنای تحمل سلیقه‌های سیاسی مخالف با مذاق سیاسی ما و رفتار عادلانه با آن
- ۵۱/۱. عدم تقابل «عقل‌گرایی» با ارزش‌های اسلامی و انقلابی
- ۵۲/۱. انحراف بودن عدول از ارزش‌های اسلامی و انقلابی، به بهانه «عقل‌گرایی»
- ۵۳/۱. «انقلابی بودن» به معنای غافل نشدن از خدعه و کید دشمن و نقشه عمیق او
- ۵۴/۱. از دست دادن پشتوانه عظیم معنوی درون کشور و ملت، در صورت اعتماد به دشمن و کوتاه آمدن در مقابل او
- ۵۵/۱. «انقلابی بودن» به معنای تلاش برای برجسته کردن ارزش‌های انقلاب
- ۵۶/۱. ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی و افتخار به انقلابی‌گری، از جمله ارزش‌های انقلاب
- ۵۷/۱. «بصیرت انقلابی» به معنای تعهد و پایبندی دینی

- ۵۸/۱. «انقلابی بودن» یعنی احیاء تفکر انقلابی در ذهن‌ها
- ۵۹/۱. «انقلابی بودن» یعنی حفظ و حراست از جهت‌گیری انقلابی در عمل، بیان، رفتار، تصمیم‌گیری و مقررات و قوانین
- ۶۰/۱. «انقلابی بودن» به معنای فدا نکردن حرکت انقلابی به پای حمایت از نزدیکان و منتسبان
۲. راهکارهای انقلابی نگهداشتن حوزه
- ۱/۲. استفاده از توانمندی مجمع نمایندگان طلاب برای ارتباط با لایه‌های درونی حوزه
 - ۲/۲. داشتن یک سازماندهی عظیم معنوی در مجمع نمایندگان طلاب
 - ۳/۲. استفاده از توانایی مجمع نمایندگان طلاب در اثرگذاری بر ذهن و روح طلاب
 - ۴/۲. گسترش برنامه‌ریزی شده ارتباط منظم و محتوایی با بدنه حوزه
 - ۵/۲. تشکیل گروه‌های فکری
 - ۱/۵/۲. برای دستیابی به راه‌های صحیح ترویج تفکرات انقلابی
 - ۲/۵/۲. انتقال افکار خوب و درست به طلاب
 - ۳/۵/۲. شناسایی و رشد طلاب مستعد و با اخلاص
 - ۶/۲. شناسایی و حل مشکلات و شبهات ذهنی طلاب
 - ۷/۲. تداوم و تقویت مجمع نمایندگان طلاب
 - ۱/۷/۲. از لحاظ قانونی و جایگاهی
 - ۲/۷/۲. از لحاظ درونی و محتوایی
 - ۸/۲. جدی گرفته شدن مجمع نمایندگان طلاب از سوی شورای عالی
 - ۹/۲. تربیت صدها مدرّس موفق و انقلابی
 - ۱۰/۲. گسترش تفکر و روحیه انقلابی
 - ۱/۱۰/۲. با تکیه بر رابطه قلبی و معنوی طلاب و مدرّسین
 - ۱۱/۲. نادرست بودن شروع حرکت انقلابی در حوزه از پایین به بالا
 - ۱۲/۲. اشتباه بودن در عمل انجام‌شده قرار دادن بزرگان حوزه، در حرکت انقلابی
 - ۱۳/۲. غیرممکن و غیرجایز بودن آغاز تحول انقلابی حوزه از سطوح پایین
 - ۱۴/۲. نادرستی آغاز حرکت انقلابی حوزه بدون هماهنگی سطوح پایین و سطوح بالای حوزه با یکدیگر
 - ۱۵/۲. توجه به توصیه امام (ره) مبنی بر توجه فضلا و مدرّسان به نظر طلاب جوان انقلابی مؤمن
 - ۱۶/۲. توجه به توصیه امام (ره) به طلاب انقلابی مبنی بر جذب شدن به جامعه مدرّسین حوزه
 - ۱۷/۲. ضرورت حُسن ظنّ نسبت به مسئولین و حاکمیت اسلامی و عدم ترویج گرایش‌های سوءظنّ در حوزه
 - ۱۸/۲. اشتباه بودن متهم کردن مراجع و بزرگان حوزه و اعتراض و پرخاش، به نام حرکت انقلابی
 - ۱۹/۲. تشویق طلاب به سمت هدف‌های انقلابی و اسلامی توسط مدرّسان و اساتید حوزه
 - ۲۰/۲. توجه به وجود شیفتگان اسلام آمریکایی، دورکنندگان روحانیت از مسیر خود، در حوزه‌ها و در کسوت روحانیت
 - ۲۱/۲. ضرورت حضور طلبه‌های جوان مؤمن و فعّال و فضلاّی جوان در سمت هدف‌های انقلاب، در همه جبهه‌ها
 - ۲۲/۲. پیدایش نگرانی در مردم در صورت سرگرم شدن روحانیت به مسائل شخصی و دنیا و بی‌رغبتی به مسائل انقلابی
 - ۲۳/۲. توجه به اولویت داشتن رضای الهی و مصلحت مردم در ورود به مسائل سیاسی
 - ۲۴/۲. توجه به واقعیت صرف هزینه از سوی استکبار جهانی برای انحراف طلاب و فضلا و علما از راه راست انقلاب
 - ۲۵/۲. عدم امکان روبه‌رو شدن استکبار با انقلاب، در صورت حضور علما در صحنه‌های انقلابی و سیاسی
 - ۲۶/۲. ناپسند بودن وجود افراد بی‌تفاوت نسبت به انقلاب در حوزه

- ۲۷/۲. پایین بودن ارزش افراد فاقد حساسیت نسبت به دفاع از نظام اسلامی
- ۲۸/۲. نادرستی پرداختن به مسائل انقلاب و جهان و «بی تفاوتی» نسبت به آن‌ها در منابر
- ۲۹/۲. نادرستی حذف اخلاق و نصیحت و تهذیب و احکام از منابر، به بهانه پرداختن به مسائل انقلابی و سیاسی
- ۳۰/۲. ارزش بودن انقلاب اسلامی و انقلابی بودن
- ۳۱/۲. تردید پیدا نکردن در مفاهیم انقلابی و در مبارزه با قدرت‌های ظالم و سلطه‌گر
- ۳۲/۲. نادرستی تندروی‌های افراطی به نام انقلاب و متهم کردن بزرگان انقلاب به غیرانقلابی بودن
- ۳۳/۲. جوسازی نکردن برادران انقلابی و فعالیت نکردن آنان علیه یکدیگر
- ۳۴/۲. ضرورت شناخت هندسه سیاسی و آرایش نیروهای سیاسی دنیا توسط هر روحانی دلسوز، برای یافتن تکلیف خود
- ۳۵/۲. نادرستی مساوی تلقی کردن حرکت انقلابی با آشفتگی، سردرگمی و سنگ روی سنگ بند نشدن
- ۳۶/۲. افزایش معنویت و تقرب به خدا، با اهتمام به اعمال عبادی، برای محکم کردن بنیه دینی و انقلابی
- ۳۷/۲. حفظ شور انقلابی، ساختن با مشکلات و رویگردان نشدن از طعن و دقّ دیگران
- ۳۸/۲. ماندن در صحنه، مأیوس نشدن و مراقبت برای عصبانی نشدن و از کوره در نرفتن، در مقابل اعتراض‌ها
- ۳۹/۲. متهم کردن نیروهای انقلابی به افراطی‌گری، نقشه‌ای انحرافی از سوی دشمن
- ۴۰/۲. ضرورت پرهیز از افراط در حرکت انقلابی، برای متهم نشدن به افراطی‌گری
- ۴۱/۲. ضربه خوردن حرکت انقلابی هم از «زیاده‌روی» و هم از «سکوت»، بی تفاوتی و کناره‌گیری
- ۴۲/۲. انحراف از حرکت انقلابی و خروج از انقلابی‌گری، در صورت اهانت به مراجع و بزرگان حوزه
- ۴۳/۲. تلاش دشمن برای منزوی کردن روحانی انقلابی
- ۴۴/۲. تلاش دشمن برای بی تفاوت بار آوردن جوانان نسبت به انقلاب
- ۴۵/۲. تلاش دشمن برای نابود کردن روحیه حماسه و انقلابی‌گری در جوانان
- ۴۶/۲. تشویق جوانان به داشتن روحیه انقلابی‌گری، برای دفاع از کشور و مأیوس کردن دشمن
- ۴۷/۲. ضرورت زنده نگهداشتن حادثه انقلاب و حقیقت انقلاب در ذهن‌ها و دل‌ها
- ۴۸/۲. تلاش دشمن برای تغییر و انحراف رفتار ما از «رفتار انقلابی»
- ۴۹/۲. گرامی داشتن و نگهداشتن نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی؛ یکی از کارهای انقلابی
- ۵۰/۲. ترویج گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه
- ۵۱/۲. پرهیز از افراطی‌گری در حرکت انقلابی
- ۵۲/۲. تعیین مدیری از علمای برجسته، انقلابی و بصیر برای مدیریت حوزه



فیش‌های جمع‌آوری شده

اشتباه در معنا کردن «انقلابی بودن» به فریاد و اعتراض سر مسئولان

«انقلابی بودن» به معنای فریاد کشیدن سر آمریکا و قدرت‌های مزاحم اداره نظام

ما قوی هستیم و به عزت پروردگار عزیزیم؛ منتها شما دانشجویان نقش خودتان را فراموش نکنید. آگاهی سیاسی کسب کنید و نسبت به آنچه که می‌گذرد، هوشیار باشید و انگیزه و تپش جوانانه‌ی انقلابی متناسب با قشر شما، در خدمت هدفهای نظام قرار گیرد. عده‌یی از افراد ساده‌اندیش خیال میکنند که اگر دانشجو بخواهد **حضور انقلابی** داشته باشد، راهش این است که بر سر مسئولان خود داد بکشد؛ خیر، این که انقلابیگری نیست. آنجایی که میبینید دانشجو بر سر مسئولان امر داد میکشد، مسئولان با دانشجویان هم‌جهت نیستند؛ آنها مزدور امریکا هستند و این جوانان نمیتوانند طاقت بیاورند و بالاخره فریاد اعتراض میکشند؛ کمالین که در رژیم گذشته همین‌گونه بود و دانشجو و طلبه و مردم و وجدانهای بیدار و انسانهای شجاع و روحهای سالم، بر سر مسئولان امر داد میکشیدند. مبدا عده‌یی به صورت فریب‌انگیز و با ترفندهای گوناگون بیایند و به چند جوان ساده تفهیم کنند که دانشجو بایستی فریاد بکشد! بله، فریاد باید کشیده شود؛ ولی بر سر امریکا و قدرت‌هایی که مزاحم مسئولان و اداره‌کنندگان نظام هستند. در هر دانشگاهی که تحصیل میکنید، حضور دانشجویی خود را به صورت قوی و با خط درست حفظ کنید.

1368/03/23

تفکیک‌ناپذیری ارزش‌های اسلامی از ارزش‌های انقلابی

عدم امکان «انقلابی غیراسلامی» بودن یا «اسلامی غیرانقلابی» بودن

دانشگاهی که در او نبض انقلاب نزند، دانشگاهی که اعضایش - چه دانشجو و چه استاد - نسبت به حرکت انقلابی ملت ایران و برای پیشاهنگی و پیشقراولی، احساس تکلیف نکند و نقش درجه‌ی یک را در کار انقلاب نداشته باشد، دانشگاهی نیست که امیدبخش و تضمین‌کننده‌ی آینده و مورد نظر امام(ره) باشد.

دانشگاه جهتدار و دیندار، بشدت متمایل به ارزشهای انقلابی و اسلامی است. البته ارزشهای انقلابی از ارزشهای اسلامی به هیچ‌وجه تفکیک‌پذیر نیست؛ اینها با هم یکی است. کسی نمیتواند بگوید من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم، و یا بگوید من **انقلابی** هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترین تپشهای انقلابی در این جاست؛ بسیج‌کننده‌ترین نیروهای مردمی، این انقلاب است؛ در حالی که سرتاسر دنیا، انباشته از انقلابهای گوناگون است. پس انقلابی غیراسلامی و اسلامی غیرانقلابی نداریم. ارزشهای انقلابی، همان ارزشهای اسلامی است.

1368/03/23

عدم منافات منطق و برخورد منطقی با «انقلابی بودن»

مساوی نبودن «انقلابی بودن» با پرخاشگری بی دلیل

«انقلابی بودن» به معنای حفظ قاطعانه و بدون رودربایستی مواضع اسلامی و انقلابی

«انقلابی بودن» به معنای مرعوب و خام نشدن و فریب نخوردن از قدرت‌ها

برای خیلها که بین **انقلابیگری** و برخورد منطقی منافات میبینند، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده میکنیم که اینها میتواند با هم جمع شود. انقلابیگری به این نیست که ما آن جایی که نباید پرخاش کنیم، بیخودی پرخاش کنیم. **انقلابیگری** به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم.

وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرتها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده‌ایم.

1368/05/31

«انقلابی بودن» به معنای مواجهه شجاعانه و قدرتمندانه با قدرت‌های بزرگ در صحنه سیاسی

ما در دیپلماسی انقلابی و اسلامی خود به هیچ وجه نباید نسبت به دشمن از موضع ضعف و رعب برخورد کنیم بلکه با حاکم کردن عقل و منطق در تصمیم‌گیری‌هایمان باید کاملاً شجاعانه و قدرتمندانه با قدرت‌های بزرگ مواجه شویم. **انقلابیگری** در صحنه سیاسی به این معناست که ما مواضع اسلامی و انقلابی خود را قاطعانه و بدون دل بستن به برخی از چهره‌های امید بخش کاذب حفظ کنیم و این خط صحیح دیپلماسی ماست.

1368/05/31

نادرست بودن شروع حرکت انقلابی در حوزه از پایین به بالا

اشتباه بودن در عمل انجام‌شده قرار دادن بزرگان حوزه، در حرکت انقلابی

غیرممکن و غیرجایز بودن آغاز تحول انقلابی حوزه از سطوح پایین

این فکر برای ما پیدا نشود که طلبه‌ها باید مثل نیروهای انقلاب که در جاهایی از پایین به بالا انقلاب شروع شد و بالاییها را در مقابل عمل انجام شده قرار دادند، عمل کنند. طلباب تصور نکنند که می‌توانند **انقلابی** را از پایین شروع کنند و حوزه را به صورتی که می‌خواهند، در بیاورند و بعد به مراجع و بزرگان بگویند: بسم الله، این حوزه را اداره کنید! این کار، نه شدنی است و نه جایز می‌باشد؛ زیرا در اینجا، مسأله‌ی تقابل قشر پایین و بالا- مثل کارگر و سرمایه‌دار و کشاورز و مالک- نیست؛ بلکه همه سر و ته یک مجموعه هستند. آن مثال اعلی و رب النوعش وجود دارد، بقیه هم بالقوه‌هایی هستند که به آنجا منتهی خواهند شد. بنابراین، جهت حرکت، همان جهت است البته، همه نمی‌کوبند که مرجع بشوند و صحیح و جایز و مفید هم نیست؛ اما جهت، جهت فقاقت و دین‌شناسی و همان چیزی است که امروز مراجع ما در سطح بالای آن قرار دارند. بنابراین، مراجع که حسابشان مشخص است و در آینده‌ی حوزه، نقش وافر هم دارند و بدون نظر و موافقت و کمک و اراده و اقدام آن‌ها، نه جایز و نه ممکن است کاری انجام بگیرد.

1368/09/07

توجه به توصیه امام (ره) مبنی بر توجه فضا و مدرّسان به نظر طلاب جوان انقلابی مؤمن

توجه به توصیه امام (ره) به طلاب انقلابی مبنی بر جذب شدن به جامعه مدرسین حوزه

توصیه‌ی امام به فضا و مدرّسان این بود که به نظر **طلاب جوان انقلابی مؤمن** توجه شود و با آن‌ها گرم بگیرند و به همان طلاب انقلابی هم گفتند که شما جذب جامعه‌ی مدرّسین بشوید. پس نمی‌شود ما یک حرکت طلبگی و حوزه‌ای عمومی داشته باشیم؛ در حالی که این طرف از آن طرف جدا باشد. این دو طرف، یک جریان هستند که باید باهم باشند و همچنان که در اساسنامه‌ی شما آمده است، مجموعه‌ی طلاب، مجموعه‌ی مدرّسان را در رتبه و رده‌ای بالاتر از خودشان مشاهده کنند.

1368/09/07

ضرورت حسن ظن نسبت به مسئولین و حاکمیت اسلامی و عدم ترویج گرایش‌های سوءظن در حوزه

همان‌طور که در پیام چند روز پیش مطرح کردم و به عموم مردم توصیه نمودم، بخصوص به شما آقایان نیز توصیه می‌کنم که کوشش کنید حسن ظن داشته باشید. مضمون روایت هم همین است که:

«وقتی خیر حاکم و غالب بر زمان است، آدم باید حسن ظن داشته باشد و وقتی شر غالب است، انسان باید سوءظن داشته باشد.» (۱)

امروز، دیگر اسلام و خیر غالب و حاکم است و حکومت و رهبری و دولت، اسلامی است. اگرچه در جامعه شر هم وجود دارد؛ اما غلبه و حاکمیت با خیر است. امروز، روز حسن ظن است.

اشتباه بودن متهم کردن مراجع و بزرگان حوزه و اعتراض و پرخاش، به نام حرکت انقلابی

من خواهش می‌کنم که گرایش‌های سوءظن‌گونه را رشد ندهید. به‌عنوان مثال، آن موردی را که شاید مقداری هم به من بی‌ارتباط نیست، عرض می‌کنم: راضی نیستم که به عنوان حمایت و اظهار لطف و محبت نسبت به من، بعضی از برادران به این مجموعه اعتراض کنند. هیچ‌کس نباید به‌عنوان حمایت و طرف‌داری از من، هیچ‌گونه موضع‌گیری‌یی علیه کسی بکند. اگر کسی به من محبت و لطف دارد و واقعاً می‌خواهد از من جانب‌داری بکند، راهش این نیست که بایستد و بگوید که مثلاً چرا مراجع چنین کردند یا چرا جامعه‌ی مدرّسین چنان کرد یا چرا مجمع طلاب چنین کرد. بحمد الله میانه‌ی ما با مراجع بسیار خوب است. همیشه به مراجع ارادت داشته‌ایم؛ حالا هم همین‌طور است و ارتباطاتمان بسیار خوب می‌باشد. با جامعه‌ی مدرّسین و قشرهای گوناگون طلاب و جهت‌گیریها و جناحهای مختلف سیاسی هم ارتباطاتمان بسیار مستحکم و خوب است؛ یعنی من با هیچ‌کس مسأله‌یی ندارم. بنابراین، تصور نشود که حالا اگر مثلاً فلان حرفی در جایی گفته شد یا فلان اظهاری - قولاً یا کتباً - از کسی صادر گردید، تعریض به من است و کسی به عنوان محبت به من، اعتراض و پرخاش کند و کسی را متهم نماید. مطلقاً نگذارید که در مجموعه‌تان و بلکه داخل حوزه، این حرفها باب شود.

1368/09/07

منافات نداشتن «انقلابی بودن» و حضور سیاسی، با مشغول بودن به درس در حوزه

طلاب عزیز و فضلاّی جوان، نباید حتی برای یک لحظه، حضور در میدانهای گوناگون را فراموش کنند. این حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است. همان‌طور که امام بزرگوار در پیام فراموش

نشدنی خود فرمودند، فضلا و جوانهایی که تفقه را در میدانهای خودش فرا گرفتند و مُنذر قوم خود شدند و میدان جنگ را میدان آزمایش نفس و تکامل معنوی خویش قرار دادند و پیش رفتند، این میدانها را رها نکنند. امروز هم خطوط و میدانها و صحنه‌های نظامی و غیر نظامی و فرهنگی، محتاج حضور فعال شماست.

تشویق طلاب به سمت هدف‌های انقلابی و اسلامی توسط مدرّسان و اساتید حوزه

مدرّسان معظم و محترم و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم و سایر حوزه‌ها، طلاب را به سمت **هدف‌های انقلابی و اسلامی** سوق بدهند. درست است که امروز روحانیت و اسلام، راه و جایگاه خود را کاملاً پیدا کرده‌اند؛ اما این طور هم نیست که افکار انحرافی، بکلی از بین رفته و ریشه‌کن شده باشد.

توجه به وجود شیفتگان اسلام آمریکایی، دورکنندگان روحانیت از مسیر خود، در حوزه‌ها و در کسوت روحانیت

ضرورت حضور طلبه‌های جوان مؤمن و فعال و فضایی جوان در سمت هدف‌های انقلاب، در همه جبهه‌ها

پیدایش نگرانی در مردم در صورت سرگرم شدن روحانیت به مسائل شخصی و دنیا و بی‌رغبتی به مسائل انقلابی

توجه به اولویت داشتن رضای الهی و مصلحت مردم در ورود به مسائل سیاسی

کسانی که هنوز نتوانسته‌اند جلوه‌ی **انقلابی** اسلام را درک کنند، باز هم در حوزه‌ها و در کسوت روحانیت هستند. هنوز کسانی که به جای کینه‌ی امریکا و دشمنان، قلبهای آنها جایگاه کینه‌ی مجاهدان فی سبیل‌الله و جوانان مؤمن و پرچمداران حقیقت است، در حوزه‌ها و بیرون از حوزه‌ها نیز پیدا می‌شوند. همان متحجّرانی که امام مکرر اشاره کردند- یعنی دوستداران و شیفتگان اسلام آمریکایی؛ اسلامی که روحانیت و دین و معنویت را از مسیر خود و از مردم و خدا دور می‌کند و مایه‌ی شادی و آسایش دل دشمنان خدا می‌شود- هنوز هستند. در همه‌ی جبهه‌ها، حضور جوانهای مؤمن و فعال و فضایی جوان در سمت **هدف‌های انقلاب**، یک ضرورت است. بدانید که مردم از هر حرکت به سمت رشد صحیح جامعه‌ی روحانیت، خشنود و خوشحال می‌شوند؛ همچنان که اگر خدای نکرده، روحانیون را سرگرم مسائل شخصی و دنیایی و یا بی‌رغبتی و عدم توجه به **مسائل انقلابی** و یا غرق شدن در دسته‌بندی‌های سیاسی و غیره ببینند، نگران می‌شوند. وظیفه‌ی علمای دین و روحانیون عزیز این است که رضای الهی و مصلحت مردم را بر هر چیز دیگری مقدم بدارند.

1368/12/02

توجه به واقعیت صرف هزینه ازسوی استکبار جهانی برای انحراف طلاب و فضلا و علما از راه راست انقلاب

عدم امکان روبه‌رو شدن استکبار با انقلاب، در صورت حضور علما در صحنه‌های انقلابی و سیاسی

امروز بسیاری از همت و پول و ابتکار و طراحی و برنامه‌ریزی استکبار جهانی، مصروف این می‌شود که ببینند چگونه می‌تواند همین شما طلاب و فضلا و علما را از راه راست **انقلاب** منحرف کند. برای این کار، پول خرج می‌کنند؛ چون می‌دانند اگر علما، همچنان که تا امروز پیش‌گام این انقلاب بوده‌اند و در صفوف مقدم، در جنگ، در صحنه‌های انقلابی و در صحنه‌ی سیاست حضور داشته‌اند، باز هم حضور داشته باشند، به‌هیچ‌وجه استکبار نمی‌تواند با این انقلاب روبه‌رو بشود. می‌خواهند این مانع یعنی شما جامعه‌ی علمای اسلام را از سر راه بردارند. برای این کار، برنامه‌ریزی می‌کنند.

1369/01/04

«بی تفاوتی نسبت به انقلاب» یعنی عدم تأثیر انقلاب در فعالیت‌های جاری حوزه

پایین بودن ارزش افراد فاقد حساسیت نسبت به دفاع از نظام اسلامی

واقعاً کسانی هستند که نسبت به انقلاب بی تفاوتند. این هم به نظر ما پسندیده نیست. بعضی امروز، همان‌طور صحبت می‌کنند، همان‌طور می‌نویسند، همان‌طور منبر می‌روند، همان‌طور تبلیغ می‌کنند که قبل از انقلاب می‌کردند! انگار نه‌انگار که در این مملکت، **انقلابی** به وجود آمده، اسلام زنده و مطرح شده، قرآن احیا شده و شریعت اسلامی مبنای نظام اداری کشور قرار گرفته است. انگار که این چیزها اتفاق نیفتاده است! نسبت به نظام بی تفاوتند؛ ولی نسبت به بعضی از اشکالات و نارساییها، خیلی تیز و دقیقند!

ما کسانی را می‌شناسیم که در تمام دوران تسلط طاغوت، در مقابل آن همه مفاسد، یک کلمه حرف به عنوان نهی از منکر بر زبان‌شان جاری نشد؛ ولی حالا در نظام اسلامی که جلّ و عمده‌ی امور، در جهت صلاح و رشد و تقوا و حاکمیت دین است، این‌ها حساس شده‌اند و تا اشکالی در گوشه‌یی به وجود بیاید، فوراً زبان به اعتراض بلند می‌کنند! البته ما از اعتراض نمی‌ترسیم اعتراض بکنند اما ارزش این افراد پایین است. اینهایی که نسبت به نظام اسلامی، آن حساسیت دفاع را ندارند، پایینند.

1369/01/04

نادرستی نپرداختن به مسائل انقلاب و جهان و «بی تفاوتی» نسبت به آن‌ها در منابر

اخلاق، خیلی لازم است؛ اما این‌طور نباشد که ما وقتی اخلاق می‌گوییم، یا برای مردم حدیث می‌خوانیم، بکلی از مسائل روز، مسائل انقلاب، مسائل جهان، مسائل زندگی و تاریخچه‌ی این یازده سال پُر از حادثه برکنار باشیم. همان‌طور که عرض کردم، بعضی که منبر می‌روند، وقتی انسان پای منبرشان می‌نشیند، گویی در این کشور **انقلابی** رخ نداده، گویی رهبری مثل امام راحل (رضوان الله علیه) ظهور نکرده، گویی این جنگ اتفاق نیفتاده است! این‌طور حرف می‌زنند و بکلی از اوضاع برکنارند! این، از آن طرف افراط است.

نادرستی حذف اخلاق و نصیحت و تهذیب و احکام از منابر، به بهانه پرداختن به مسائل انقلابی و سیاسی

در جهت سیاسی هم افراط خطاست. بعضی در منبر و سخنرانی خود، همه‌ی مطلب را من البدو الی الختم مصروف به امور سیاسی می‌کنند و یک کلمه اخلاق و نصیحت و تهذیب و احکام، در گفتارشان نیست! حتی مثلاً می‌بینید که آقا در فلان ده منبر رفته و در باره‌ی انقلاب نیکاراگوئه بحث می‌کند و اینکه چطور شد ساندنیستها در نیکاراگوئه شکست خوردند! یا مثلاً در باره‌ی علل پیدایش کشور نامیبیا و اینکه سابقه‌اش چه بوده است، بحث می‌کند! حالا این بحثها چه اهمیتی دارد، او دیگر فکر نمی‌کند و توجه ندارد که این مباحث، در رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها مطرح می‌شود و همه آن را می‌گویند. این هم از این طرف افراط است. افراط، از هیچ طرف مناسب نیست.

1369/01/04

ارزش بودن انقلاب اسلامی و انقلابی بودن

تردید پیدا نکردن در مفاهیم انقلابی و در مبارزه با قدرت‌های ظالم و سلطه‌گر

انقلاب اسلامی یک ارزش است. و آنان که در تلاش هستند تا انقلاب و **انقلابیگری** را ضد ارزش کنند از انقلاب بیشترین ضربه را خورده‌اند. تردید در مفاهیم انقلابی و مبارزه با قدرتهای ظالم و سلطه‌گر ضد ارزش است.

«حزب الهی بودن» به معنای آمادگی برای انجام تکلیف الهی، بمثابة ارزشی انقلابی

مرجح بودن افراد واجد روحیه حزب الهی نسبت به سایرین، در همه سطوح نظام اسلامی

پرهیز از تصوّر نادرست «بی سواد» بودن همه جوانان حزب الهی و صرفاً پرسروصدا و پرهیاو بودن آنان

حزب الهی بودن، یعنی آماده کار بودن برای انجام تکلیف الهی. این، یک ارزش است؛ یک **ارزش انقلابی** است. در نظام اسلامی، همه جا، کسی که دارای روحیه حزب الهی است بر کسی که دارای روحیه حزب الهی نیست، ترجیح دارد. از جمله، یک مدیر حزب الهی، یک استاد حزب الهی، یک صاحب منصب حزب الهی، یک فرمانده حزب الهی، یک هنرمند حزب الهی، یک نویسنده حزب الهی ... مبدا گمان شود که حزب الهی، یعنی جوان پرسروصدا و پرهیاویی که نه سواد درستی دارد، نه معلومات درستی! این طور نیست. در میان متخصصین ما، در میان برگزیدگان ما، در میان مدیران ما، در میان علما و اساتید ما، انسانهای حزب الهی، زیادند. مفهوم حزب الهی را در ذهن خودمان، غلط تصوّر نکنیم. در محیطهای مختلف، حضور عناصر حزب الهی، باید حضور برجسته ای باشد.

ضرورت آشنایی نسل امروز با تاریخچه دویست سال اخیر، برای انقلابی ماندن

نمی دانم آیا جوانان نسل ما و نسل **انقلابی**، تاریخچه ای این صدوپنجاه، دویست سال را درست خوانده اند یا نه؟ من همه ی دغدغه ام این است که جوان انقلابی امروز، نداند ما بعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه ای این صدوپنجاه، دویست سال اخیر از دوران اواسط قاجار به این طرف؛ از دوران جنگ های ایران و روس به این طرف را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است.

«انقلابی بودن» به معنای ایستادگی در مقابل دشمنان و بدگویان و طعنه زنان به انقلاب

مساوی بودن «انقلاب» با «ایمان»، «اعتقاد» و «دین»

این، آن چیزی است که شما به عنوان آزاده و به عنوان یک مسلمان انقلابی، از خودتان باید توقع داشته باشید. باید در مقابل دشمنان و بدگویان و طعنه زنان انقلاب بایستید. عده ای خیال میکنند چون از مبداء انقلاب فاصله گرفته ایم، هرچه از مبداء انقلاب دور شویم، **انقلابیگری** ضعیفتر میشود! این، خطاست. انقلاب که مال یک زمان خاص نیست، تا هرچه از آن زمان دور شدیم، **انقلابیگری** ما کم شود. انقلاب، یک ایمان است؛ اعتقاد است؛ دین است. دین که از انسان فاصله نمیگیرد! فاصله انسان با دین، به حسب زمان که کم و زیاد نمیشود!

وجود نداشتن «نوبت من تمام شد» در اسلام و انقلابی بودن

شما باید در مقابل این تفکرات بایستید. این محنتی که خدای متعال بر شما وارد کرد، یک امتحان الهی بود. البته بعضی، از این امتحان، ممکن است سربلند و رو سفید در نیامده باشند. همه که یکسان نیستند! اما شما برادران عزیز مؤمنی که از این امتحان الهی سربلند در آمدید، این را باید قدر بدانید. باید این را ذخیره ای بدانید. و با این ذخیره، باز هم در راه خدا مجاهدت کنید. در اسلام «نوبت من تمام شد» نداریم!

نادرستی تندرستی‌های افراطی به نام انقلاب و متهم کردن بزرگان انقلاب به غیرانقلابی بودن

بعضی مثل خوارج شبیه یک عده از انقلابی‌نماهای افراطی ما بودند که هیچ کس را هم قبول نداشتند. فقط خودشان را قبول داشتند و طرفدار دین میدانستند؛ هیچ کس دیگر را هم قبول نداشتند. مثل کسانی که اول انقلاب، امام را هم به **انقلابیگری** قبول نداشتند!

1372/10/06

مساوق بودن «انقلابی بودن» با «اسلامی بودن» با توجه به هدف انقلاب

هدف از انقلاب؛ رسیدگی به وضع مظلومین و عمل به فرایض، احکام و سنن الهی

«وَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكِ» (۱) هدف از هر قیامی، هدف از هر **انقلابی**، هدف از هر قدرت اسلامی‌ای و اصلاً هدف از حاکمیت دین خدا، رسیدگی به وضع «مظلومون» و عمل به فرایض، احکام و سنن الهی است.

1378/01/23

«انقلابی بودن» به معنای افزایش فاصله با دشمن

کم کردن فاصله میان برادران معتقد به ارزش‌های انقلابی، به معنای «انقلابی بودن»

جوسازی نکردن برادران انقلابی و فعالیت نکردن آنان علیه یکدیگر

من توصیه می‌کنم برادران مسلمان، برادران **انقلابی**، برادران معتقد به ارزش‌های انقلاب، هر چه می‌توانند فاصله‌ی بین خودشان را کم کنند؛ با هم دوست و رفیق باشند. با هم همکار باشند. علیه یکدیگر جوسازی و فعالیت نکنند، اما فاصله را با دشمن‌ها زیاد کنند. این‌ها توصیه‌هایی است که علی‌رغم دشمنان این ملت، در دل جوانان جا گرفته است. هر جا ما این توصیه‌ها را کردیم، احساس کردیم و دیدیم و تجربه کردیم که این نسل جوان مؤمن، با دل‌های روشن و پاک و صافشان و با روح‌های صمیمی‌شان، آن لبّ مطلب را فهمیدند و به کار گرفتند و فوایدش برای کشور آشکار شد. این جا نیز همین‌طور خواهد بود.

1379/08/24

وجود دو نوع انقلابی در ابتدای انقلاب؛ انقلابی مثبت و انقلابی منفی

فرار از میدان کار و تلاش و حرکت و دوری از دردسر، شاخص انقلابیون منفی

وجاهت‌طلبی و راحت‌خواهی و شعار «من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب کرده‌ام»، ویژگی‌های انقلابی منفی

خرج کردن آبرو و حاضر بودن در میادین خطر، شاخص انقلابیون مثبت

منفی‌بافی و برخورد اپوزیسیونی از نشانه‌های انقلابی منفی

خود را مسئول دانستن نسبت به انقلاب و وارد میدان شدن، ویژگی انقلابی مثبت

ما از اول انقلاب دو گونه **انقلابی** داشتیم و انقلابیون ما دو گونه نقش ایفا کردند. بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفی به آن انقلابی‌ای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آنجایی که دردسری داشت، عقب می‌کشید. انقلابی بود، اما انقلابی وجاهت‌طلب و

راحت خواه؛ انقلابی ای که می گفت من مبارزه ام را قبل از انقلاب کرده ام، اکنون دیگر می خواهم احترام شوم. بنابراین، چنین کسانی به میدان خطر و دردسر و آنجایی که چهار نفر آدم از انسان گله مند می شوند، وارد نمی شدند. یک عده هم انقلابی مثبت بودند. حاضر بودند آبرویشان را هم خرج کنند. آنجایی که فکر می کردند وجودشان می تواند کمکی بکند، با همه ی وجود حاضر بودند. اگر جبهه بود، یک طور؛ اگر دانشگاه بود، یک طور؛ اگر میدان فرهنگی یا سیاسی بود، وارد میدان می شدند. انقلابی منفی، خودش را از کار کنار می گیرد؛ اما اگر یک وقت کاری هم به دستش افتاد، مثل آدم هایی که هیچ کاری در دستشان نیست، حالت منفی بافی و شکل اپوزیسیون به خودش می گیرد؛ کأنه در هیچ کاری مسئولیت ندارد! انقلابی مثبت حتی اگر هیچ کاره هم باشد، خودش را مسئول ترین افراد می داند و وارد میدان می شود. من می خواهم به شما عرض کنم: عزیزان من! جوانان! انقلابی مثبت باشید. دانشگاه باید انقلابیون مثبت پرورش دهد؛ این ملت و این تاریخ به شما نیاز دارد؛ باید خودتان را آماده کنید.

1379/12/09

ضرورت شناخت هندسه سیاسی و آرایش نیروهای سیاسی دنیا توسط هر روحانی دلسوز، برای یافتن تکلیف خود

هر روحانی دلسوز و بخصوص جوان، هندسه ی سیاسی و آرایش نیروهای سیاسی دنیا را درست بشناسد؛ ببیند امروز کی در مقابل کیست؛ آن گاه راه را پیدا می کند و می فهمد باید چه کار کند.

1382/09/25

«روحیه انقلابی» به معنای اسیر حدود تحمیلی نشدن و با امید به دنبال هدف حرکت کردن

بانشاط و با انگیزه بودن و برای رسیدن به اهداف انقلاب اصرار و پیگیری کردن، نشانه حرکت انقلابی

نادرستی مساوی تلقی کردن حرکت انقلابی با آشفستگی، سردرگمی و سنگ روی سنگ بند نشدن

انضباط انقلابی؛ برترین و قویترین انضباط

امری مستمر و دائمی بودن انقلاب، به معنای سازندگی، رویش و بالندگی

عدم امکان رویش و بالندگی بدون انضباط، قانون و نظم

روی دادن بی نظمی های اول انقلاب به دلیل ضرورت به هم ریختن بناهای غلط، کج و پوسیده گذشته

حرکت انقلابی بر خلاف القائات افراد خبیث و یک عده از قلم به مزدهای داخلی که آن را ترویج میکنند و این طور القاء میکنند که انقلاب یعنی آشفستگی؛ سردرگمی؛ هیچی به هیچی نبودن و سنگ روی سنگ بند نشدن، نیست، بلکه انضباط انقلابی، برترین و قویترین انضباطهاست. بینظمی یی که اول انقلاب دیده میشود، به خاطر این است که بنای غلط و کج و پوسیده یی وجود دارد، که باید آن را به هم ریخت و بنای نویی گذاشت. آن به هم ریختگی متعلق به اول انقلاب است؛ انقلاب که آن به هم ریختگی نیست؛ انقلاب یک امر مستمر است؛ انقلاب یعنی سازندگی؛ یعنی رویش و بالندگی. رویش و بالندگی بدون انضباط، بدون قانون و بدون نظم مگر ممکن است؟! بهترین کارها را کسانی کرده اند که با **روحیه ی انقلابی** کرده اند؛ هم در جنگ، هم در سازندگی و هم در علم و مسائل فرهنگی. بنابراین، انقلابی بمانید. روحیه ی انقلابی یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن، و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است.

1383/04/01

قرآن میگوید: آنهایی که در جنگ احد برگشتند؛ طاقت نیاورند بایستند، این لغزش اینها به خاطر آن کاری است که قبلاً کردند. ما وقتی روح را نساختیم، خودمان را محکم نکردیم، معلوم است؛ هر مماسی روی آن اثر میگذارد؛ یکی، دو تا، سه تا، ناگهان میبینید که شکلش عوض شد؛ اما وقتی که مثل فولاد آبدیده، محکم و استوار و بر مبنای تفکر درست و منطق صحیح، هویت دینی انسان شکل گرفت و هویت انقلابی شکل گرفت، هرچه زمان بگذرد، این هویت روشنتر، واضحتر، جذابتر، مستحکمتر میشود... بعضیها تصور میکنند **انقلابیگری**، یک حرکت انقلابی، یعنی حرکت بیانضباط همراه با شلوغی، سردرگمی و بینظمی! میگویند آقا، آنها انقلابی بود و تمام شد! این، غلط است. مطلقاً در ذات تحرک انقلابی، اغتشاش و بینظمی نیست. بعکس، انضباط انقلابی از محکمترین و قویترین انضباطهاست. انضباطی که ریشه از ذهن انسان، از دل انسان، از ایمان انسان میگیرد، بهترین انضباطها را دارد. اول انقلابها از جمله انقلاب ما، بینظمی‌هایی دیده میشود که این ناشی است از آغاز حرکت انقلابی؛ چون یک بنای کهنه‌ی درهم ریخته باید نابود شود و جایش یک بنای دیگر بیاید. این، چیز طبیعی‌ای است؛ ولی وقتی که بنای نو، بنای جدید ساخته شد بر پایه‌های درست، حرکت بر اساس آن، حرکت منضبط و خوب خواهد بود و پیش خواهد رفت و این، انقلابی است. بنابراین انقلابیگری را با بینظمی و با شلوغکاری و با نشناختن ضابطه و قانون نباید اشتباه کرد.

1386/04/25

افزایش معنویت و تقرب به خدا، با اهتمام به اعمال عبادی، برای محکم کردن بنیه دینی و انقلابی

نقش معنویت را دست کم نباید گرفت. با توجه به خدا و تقرب به خدا، با توسل به دامن قدس الهی و ذیل عنایت الهی می‌توان خیلی کارهای دشوار را انجام داد. شماها جوانید. شما با ما فرق دارید. این را به شما بگویم. شما خیلی از این جهت جلوتر از ما هستید. دل‌های شما پاک، نورانی، بی‌تعلق، بی‌آلایش، مثل یک آئینه‌ی روشن، بلافاصله نور را منعکس می‌کند. آلوده نشده‌اید؛ این را قدر بدانید. با خدای متعال رابطه برقرار کنید. با نماز، با نافله، با تلاوت قرآن، با دعا، با صحیفه‌ی سجاده. این صحیفه‌ی سجاده پر از معارف دینی است. با این کار بنیه‌ی دینی و **انقلابی** خودتان را هم محکم می‌کنید.

1387/02/14

نیاز داشتن «انقلابی بودن» به عزم، ایمان و ثبات قدم

تمثیل «برگشتن از راه انقلاب» به «شکستن روزه پیش از غروب»، مانند کسی که از ابتدا روزه نگرفته

جوانهای امروز ما، جوانهای نسل معاصر ما و جوانهایی که در آینده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم. بعضی این ثبات قدم را دارند، بعضی در بین راه برمیگردند؛ البته اینها به ضرر خودشان عمل میکنند؛ «فمن نکث فانما ینکث علی نفسه». آن کسانی که از راه انقلاب برگردند، مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ میکنند، اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقتشان تمام میشود؛ افطار میکنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد، ابطال روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع میشود. این بیوفائی به انقلاب است. همیشه بودند کسانی که به انقلاب بیوفائی کردند، به انقلاب دلبستگی خود را کم کردند، به انقلاب پشت کردند. وصیت امام این است که جوان ما، مردم ما، نسلهای گوناگون ما، با چشم واقع‌بینانه نگاه کنند. اصل، انقلاب است؛ اشخاص، اصل نیستند. **انقلابی بودن** به حفظ رابطه‌ی خود و عمل خود و پیوستگی خود با انقلاب است...

تعریف «روح انقلابی» به روح حرکت به جلو، روح پیشرفت، روح ابتکار و نوآوری

امام بزرگوار ما از اول انقلاب تا روز آخر و در وصیت‌نامه‌ی خود تأکید میکند که **روح انقلابی**، روح حرکت به جلو است، روح پیشرفت است، روح ابتکار و نوآوری است و این در واقعیت ملت ایران هم تحقق پیدا کرد... این روح انقلابی، هر چه در ملت زنده‌تر و پویاتر باشد، روح نوآوری و ابتکار و خلاقیت زنده‌تر خواهد بود؛ همچنانی که خود انقلاب هم یک نوآوری بزرگ بود. امام با انقلاب اسلامی و با تشکیل جمهوری اسلامی راه میانه‌ی عقب‌ماندگی و غربزدگی را ترسیم کرد.

1387/03/14

«انقلابی ماندن» به معنای پیروز برآمدن از فتنه و نجات دادن خویش از آن

فروافتادن انقلابیون به فتنه و باطل کردن گذشته خود با بی‌بصیرتی، نشاختن فضا و تشخیص ندادن حق و باطل

آنچه که از بیانات زینب کبری باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت زینب کبری را نشان میدهد. خطبه‌ی فراموش نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهارنظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه‌ی اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرائط بیان شده است... همان لحنی را به کار می‌برد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار می‌برد؛ همان جور حرف می‌زند؛ با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا: «یا اهل الکوفه، یا اهل الغدر و الختل»؛ ای خدعه‌گراها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت هستید؛ اما در امتحان اینجور کم آوردید، در فتنه اینجور کوری نشان دادید. «هل فیکم الا الصلف و العجب و الشنف و الکذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید ایمان دارید، خیال کردید همچنان **انقلابی** هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید؛ در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهده‌ی مقابله‌ی با فتنه بریائید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «مثلکم کمثل الٹی نقضت غزلها من بعد قوة انکاثا»؛ مثل آن کسی شدید که پشم را میریسد، تبدیل به نخ میکند، بعد نخها را دوباره باز میکند، تبدیل میکند به همان پشم یا پنبه‌ی نریسیده. با بی‌بصیرتی، با نشاختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته‌ی خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای **انقلابیگری**؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بیمقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب‌شناسی است.

1389/02/01

«انقلابی بودن» به معنای منصف و عادل بودن و ملاحظه کردن طهارت دل و عمل

منافات داشتن ظلم به دیگران در گفتن حرف‌های نابه‌جا و غیرمنصفانه درباره آن‌ها، با «انقلابی بودن»

من بارها گفته‌ام: ظلم نکنیم. این هم یکی از آن اساسی‌ترین کارهاست. ظلم چیز بدی و چیز خطرناکی است. ظلم فقط این نیست که آدم توی خیابان به یکی کشیده بزند. گاهی یک کلمه‌ی نابجا علیه یک کسی که مستحقش نیست، یک نوشته‌ی نابجا، یک حرکت نابجا، ظلم محسوب میشود. این طهارت دل را و طهارت عمل را خیلی بایستی ملاحظه کرد ... زیاده‌تر نگوئید از آنچه که هست، از آنچه که باید و شاید. منصف باشیم؛ عادل باشیم. اینها آن وظائف ماست. اینجور نیست که ما چون مجاهدیم، چون مبارزیم، چون **انقلابی** هستیم، بنابراین هر کسی که از ما یک ذره - به خیال ما و با تشخیص ما - کمتر است، حق داریم که درباره‌اش هر چی که میتوانیم بگوئیم.

1389/04/02

«انقلابی بودن» به معنای بصیر و بینا بودن و درک پیچیدگی‌های شرایط زمانه

حفظ شور انقلابی، ساختن با مشکلات و رویگردان نشدن از طعن و دقّ دیگران

ماندن در صحنه، مأیوس نشدن و مراقبت برای عصبانی نشدن و از کوره در رفتن، در مقابل اعتراض‌ها

ضرورت رفتار منطقی و عقلانی برای «انقلابی بودن»

انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرایط زمانه را درک کند. مسأله این‌جور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم. این‌جوری نمی‌شود. باید دقیق باشید. باید **شور انقلابی** را حفظ کنید. باید با مشکلات هم بسازید. باید از طعن و دقّ دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید. مراقب باشید. مأیوس نشوید. در صحنه بمانید، اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است.

متهم کردن نیروهای انقلابی به افراطی‌گری، نقشه‌ای انحرافی از سوی دشمن

البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند. بعضی هم این‌جوری دوست می‌دارند عنصر **انقلابی**، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد. واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف.

1389/07/29

ضرورت پرهیز از افراط در حرکت انقلابی، برای متهم نشدن به افراطی‌گری

ضربه خوردن حرکت انقلابی هم از «زیاده‌روی» و هم از «سکوت»، بی‌تفاوتی و کناره‌گیری

انحراف از حرکت انقلابی و خروج از انقلابی‌گری، در صورت اهانت به بزرگان حوزه

بنابراین حرکت انقلابی‌جویی باشد که بتواند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای **انقلابی‌گری**، اینها نیست.

1389/07/29

حضور در صحنه و سینه‌سپر کردن در مقابل دشمنی‌ها، ویژگی روحانیت انقلابی و مسئول

روحانیت مسئول را، روحانیت **انقلابی** را، روحانیت حاضر در صحنه را که در مقابل دشمنی‌ها سینه سپر کرده است، به خیال خودشان منزوی کنند، بدنام کنند.

1389/08/23

اهل فعالیت و عمل بودن «طلبه انقلابی» و اهل تسويف نبودن و کار امروز را به فردا نینداختن

مسئله‌ی دیگر در زمینه‌ی نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسئله‌ی گرایش‌ها و **احساسات انقلابی** در حوزه است. عزیزان من! فضای انقلابی در کشور دشمنان عنودی دارد، دشمنان کینه‌ورزی دارد. با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند؛ میخواهند این فضا را بشکنند. میخواهند **فضای انقلابی** را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند.

جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسويف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد.

1389/08/23

ضرر کردن و منحرف شدن از خط امام (ره) در صورت زیر پا گذاشتن «اخلاق» به نام «انقلابی بودن»

انحراف از خط امام (ره) در صورت اهانت به برادر معتقد به اصل نظام، به نام انقلابی‌گری و عدالت‌خواهی

«انقلابی بودن» به معنای تحمّل سلیقه‌های سیاسی مخالف با مذاق سیاسی ما و رفتار عادلانه با آن

اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام **انقلابی‌گری**، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام **انقلابی‌گری**، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام **انقلابی‌گری** و **رفتار انقلابی**، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آراء و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و میکنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمیخواهد براندازی کند، نمیخواهد خیانت کند، نمیخواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه‌ی سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمیتوانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ «و لایجرمنکم شنان قوم علی الّا تعدلوا». قرآن به ما دستور میدهد و میگوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للتقوی» این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بُعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد.

1390/03/14

انحراف بودن عدول از ارزش‌های اسلامی و انقلابی، به بهانه «عقل گرایی»

«انقلابی بودن» به معنای غافل نشدن از خدعه و کید دشمن و نقشه عمیق او

از دست دادن پشتوانه عظیم معنوی درون کشور و ملت، در صورت اعتماد به دشمن و کوتاه آمدن در مقابل او

اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل‌گرایی، از ارزش‌های اسلامی و **انقلابی** عدول کند، این انحراف است. اگر کسی بخواهد به وسیله‌ی عقل‌گرایی، در مقابل دشمن بی‌تقوایی به خرج بدهد، وابستگی به وجود بیاورد، این انحراف است، این خیانت است. آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضاء نمیکند که ما از خدعه‌ی دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه‌ی عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیائیم. هرچه که انسان در مقابل دشمن کوتاه بیاید، پشتوانه‌ی عظیم معنوی در درون کشور و ملت را از دست خواهد داد.

1390/03/14

«انقلابی بودن» به معنای تلاش برای برجسته کردن ارزش‌های انقلاب

ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی و افتخار به انقلابی‌گری، از جمله ارزش‌های انقلاب

از نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله‌ی برجسته شدن ارزش‌های انقلاب است. در این سال‌هایی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزش‌های انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه میکردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً برجسته شده: مسئله‌ی ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به **انقلابی‌گری**. یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و **انقلابی‌گری** و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی میکردند به عنوان یک ارزش منفی یا ضد ارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله مینوشتند، حرف میزدند، گفته میشد. امروز خوشبختانه این‌جور نیست، درست بعکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهت‌گیری انقلابی، ارزش‌های انقلابی و **مبانی انقلاب** است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همین‌هاست؛ یعنی مردم به این ارزش‌ها اهمیت میدهند. مسئله‌ی دعوت به عدالت، مسئله‌ی ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است

1391/06/02

«بصیرت انقلابی» به معنای تعهد و پایبندی دینی

بیست‌ونهم فروردین یعنی ارتش متعلق است به ایران، به انقلاب، به مردم؛ و در خدمت هدف‌های مردم و در خدمت هدف‌های انقلاب ایستاده است؛ همان‌طور که الان این جوان‌های عزیزمان در سرود خواندند، ارتش به پای انقلاب ایستاد. این معنای بیست‌ونهم فروردین است. این از جمله‌ی کارهای بزرگ بود و آثار ماندگاری داشت؛ بعد از این هم آثار بیشتری خواهد داشت. و ان‌شاءالله شما جوان‌ها در این فضا، در این محیط، با این جهت‌گیری رشد میکنید و ان‌شاءالله برای کشورتان افتخار خواهید آفرید. یکی از خصوصیات ارتش جمهوری اسلامی ایران، بصیرت **انقلابی** و دینی است. پایبندی دینی است، تعهد دینی است. این خیلی حرف بزرگی است. معنای تعهد دینی این است که ارتش به همه‌ی موازینی که اسلام برای نیروهای مسلح و برای فعالیتهای نظامی مقرر کرده است، پایبند است.

1394/01/30

تشویق جوانان به داشتن روحیه انقلابی گری، برای دفاع از کشور و مأیوس کردن دشمن

یکی از مهم ترین راه های تقویت درونی، حفظ روحیه ی **انقلابی گری** است در مردم؛ بخصوص در جوانها. سعی دشمنان این است که جوان ما را لابلای بار بیاورند، نسبت به انقلاب بی تفاوت بار بیاورند، روحیه ی حماسه و انقلابی گری را در او بکشند و از بین ببرند؛ جلوی این باید ایستاد. جوان، روحیه ی انقلابی گری را باید حفظ کند. و مسئولین کشور جوانهای انقلابی را گرامی بدارند؛ این همه جوانهای حزب اللهی و انقلابی را برخی از گویندگان و نویسندگان نکوبند به اسم افراطی و امثال اینها. جوان انقلابی را باید گرامی داشت، باید به روحیه ی **انقلابی گری** تشویق کرد؛ این روحیه است که کشور را حفظ میکند، از کشور دفاع میکند؛ این روحیه است که در هنگام خطر به داد کشور میرسد. سه عامل اساسی اقتدار ملی اینها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون، و حفظ روحیه ی **انقلابی گری** در همه بخصوص در جوانها؛ اینها است که میتواند کشور را حفظ کند؛ آن وقت دشمن مأیوس خواهد شد.

1394/06/18

ضرورت زنده نگهداشتن حادثه انقلاب و حقیقت انقلاب در ذهن ها و دل ها

تلاش دشمن برای تغییر و انحراف رفتار ما از «رفتار انقلابی»

بایستی حادثه ی انقلاب و حقیقت انقلاب، دائم در ذهن و دل ما زنده باشد؛ باقی باشد. جبهه ی دشمن اتفاقاً، روی همین نقطه تکیه دارد. اینکه در خبرهای خارجی می بینید که فلان سیاستمدار آمریکایی گفته است که ما نظام جمهوری اسلامی را تغییر رژیم نمیخواهیم بدهیم [بلکه] تغییر رفتار میخواهیم بدهیم -میگویند دیگر؛ شنفته اید- تغییر رفتار یعنی همین؛ یعنی تا حالا رفتار نظام جمهوری اسلامی رفتار انقلاب بود، **رفتار انقلابی** بود، در خدمت انقلاب بود، میخواهیم این را تغییر بدهیم. من به دیپلمات های خودمان هم که چند ماه قبل از این، اینجا جمع بودند گفتم که اینها از اسم جمهوری اسلامی خیلی باکی ندارند؛ حتی از اینکه یک عمامه به سری در رأس جمهوری اسلامی باشد هم [باکی ندارند]؛ اگر چنانچه جمهوری اسلامی محتوای خود را از دست بدهد، اسلامی بودن را و **انقلابی بودن** را از دست بدهد، اینها با آن کنار می آیند. آنچه با آن دشمنی دارند عبارت است از محتوای جمهوری اسلامی؛ جبهه ی دشمن این جور است. همه ی تلاش آنها این است که حرکت جمهوری اسلامی را به سمت هدفهای الهی و اسلامی، هدفهای عزت آفرین و قدرت آفرین از بین ببرند؛ دنبال این است که سلطه ی خود را بر این کشور دوباره تجدید کند.

1394/11/19

«انقلابی بودن» یعنی احیاء تفکر انقلابی در ذهن ها

«انقلابی بودن» یعنی حفظ و حراست از جهت گیری انقلابی در عمل، بیان، رفتار، تصمیم گیری و مقررات و قوانین

درست است که امروز هیاهوی جنگ سخت در ذهن دشمن هم هست -ممکن هم هست؛ ما اگرچه بعید میدانیم اما محال نمیدانیم- اما آنچه فعلاً در دستور کار او است جنگ نرم است. هدف جنگ نرم این است که مؤلفه های قدرت را از یک کشوری بگیرد و سلب کند؛ از نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مؤلفه های قدرت را بگیرد و او را تبدیل کند به یک ملت ضعیف، به یک ملت زیون، به یک ملت تسلیم پذیر؛ هدف اینها است. بعد که یک ملت تسلیم پذیر شد، دیگر اصلاً احتیاجی به جنگ سخت به وجود نمی آید؛ اگر هم یک وقتی لازم شد، بی دغدغه میتوانند این کار را انجام بدهند، که امروز جرئت نمیکنند. آن روز که خدای نخواسته ملت ایران دچار ضعف بشود، مؤلفه های

قدرت خود را از دست بدهد، این کار برایشان خیلی آسان خواهد بود. احیاء انقلاب در ذهنها، حفظ و حراست از **تفکر انقلابی و جهت‌گیری انقلابی** در عمل، در بیان، در رفتار، در تصمیم‌گیری‌ها و در مقررات و قوانین؛ اینها کارهایی است که میتواند جلوی آن وضعیت دهشتناک را بگیرد؛ میتواند ملت را در همین جاده‌ی استحکام و استقراری که دارد پیش ببرد.

1394/11/19

«انقلابی بودن» به معنای فدا نکردن حرکت انقلابی به پای حمایت از نزدیکان و منتسبان

مرحوم آقای خزعلی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) امتحانی از نوع دیگر و بسیار دشوار را دادند؛ پای حرفهای خودشان ایستادند، **پای انقلاب** ایستادند. آنجایی که بحث نزدیکان و منتسبان بود، با کمال صراحت، با کمال شجاعت [ایستادند]. حالا به بنده که مکرر در مکرر مطالبی گفتند که در سینه‌ی من و در نوشته‌جات من ثبت است، اما در علن هم مطالب زیادی گفتند، که اینها را دیگران شنیده‌اند. [این] **مرد پای انقلاب** ایستاد. اینها است که ارزش میدهد به انسانها، معنا میدهد به **حرکت انقلابی** انسانها. رحمت خدا بر اینها. امیدواریم که خدای متعال با رضوان خود، با رحمت خود، از اینها استقبال کند؛ کَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ فَقَدْ أَظْلَمْتُهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَغَمَّدَنِي بِعَفْوِكَ. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال، اینها را مشمول این فقره‌ی مناجات شعبانیه قرار بدهد

1394/12/20

گرامی داشتن و نگهداشتن نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی؛ یکی از کارهای انقلابی

من به شما عرض بکنم که مردم –چه افراد سیاسی، چه افراد اقتصادی، چه آحاد مردم– باید به دولت کمک کنند، به مسئولین کشور کمک کنند. این کار البته فقط هم کار دولت نیست؛ هر سه قوه باید با یکدیگر همکاری کنند تا کار پیش برود؛ و مردم هم باید کمک کنند به اینها؛ این کمک لازم است و جدیت مسئولین بخصوص قوه‌ی مجریه هم لازم است. اگر بتوانیم این حرکت را راه بیندازیم، عرض کردیم که این جریان، **جریان انقلابی** است و هم سرعت خواهد داشت، هم موفقیت خواهد داشت. ما در هرجایی که کار انقلابی کردیم، اینها را داریم. ببینید! کاری که شهدای هسته‌ای ما در زمینه‌های هسته‌ای که بسیار هم حساس است پیشاهنگش بودند، کاری که شهید طهرانی‌مقدم پیشاهنگش بود، کاری که شهید کاظمی در زمینه‌ی سلول‌های بنیادی پیشاهنگش بود، کارهای بسیار بزرگی است. در زمینه‌های فرهنگی [هم] کاری که شهید آوینی پیشاهنگش بود و در این اواخر [هم] مرحوم سلحشور –که اینها پیشروان **کار انقلابی** در این کشورند– اینها را باید ترویج کرد، اینها را باید تقدیر کرد و نام اینها را باید گرامی داشت. **کار انقلابی** این است. اینکه من بارها تکرار میکنم که نیروهای انقلابی را و نیروهای حزب‌اللهی را باید گرامی بداریم و باید نگه بداریم، به‌خاطر این است؛ کار وقتی با روحیه‌ی انقلابی شد، پیشرفت خواهد کرد.

1395/01/01

شاخص‌های انقلابیگری

«نگاه کنیم این فهرستی که [در انتخابات] به ما داده میشود را چه کسی دارد به ما میدهد. به افرادی اعتماد نکنیم که بدانیم اینها متدین و انقلابی‌اند... شاخصهای انقلابیگری را درست پیدا کنیم.» رهبر انقلاب ۱۹/۱۰/۹۴

نابایدها	بایدها	
✦ اظهار دوستی با جریان غربگرا و وابسته به غرب (۶۰/۴/۵) ✦ اعتراض دائم و بی‌پایه نسبت به مسئولان (۶۸/۳/۲۳) ✦ درگیری با جوانهای انقلابی به نفع جریان غربگرا (۶۰/۴/۵)	✦ فریاد اعتراض نسبت به آمریکا و مستکبران (۶۸/۳/۲۳)	مواقف
✦ مرعوب شدن و فریب خوردن در مقابل قدرتها (۶۸/۵/۳۱)	✦ مواضع قاطعانه اسلامی و انقلابی (۶۸/۵/۳۱)	
✦ کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی (۸۹/۷/۲۹) ✦ مأیوس شدن و روگردان شدن با طعن دیگران (۸۹/۷/۲۹)	✦ حضور در صحنه انقلاب (۸۹/۷/۲۹) ✦ ساختن با مشکلات (۸۹/۷/۲۹) ✦ محدود نشدن بر اثر تحمیلات دشمن (۸۳/۴/۱) ✦ حرکت با امید به دنبال هدف (۸۳/۴/۱) ✦ انگیزه، نشاط و پیگیری برای دستیابی به اهداف (۸۳/۴/۱) ✦ برخورداری از روحیه پیشرفت، ابتکار و نوآوری (۸۷/۳/۱۴)	رفتار
✦ بی‌وفائی و کم کردن دلبستگی خود به انقلاب (۸۷/۳/۱۴)	✦ ثبات قدم و حفظ رابطه خود با انقلاب (۸۷/۳/۱۴)	
✦ خامی کردن و عصبانی شدن (۸۹/۷/۲۹) ✦ زیاده روی و افراط (۸۹/۷/۲۹) ✦ زیر پا گذاشتن اخلاق (۹۰/۳/۱۴) ✦ پرخاش نابه‌جا (۶۸/۵/۳۱) ✦ سلب امنیت از بخشی از مردم به خاطر گرایشهای سیاسی متفاوت (۹۰/۳/۱۴)	✦ رفتار منطقی و عقلانی (۸۹/۷/۲۹)	
✦ حرکت بی‌انضباط و غیر قانونی (۸۶/۴/۲۵) ✦ بی‌نظمی و شلوغ‌کاری (۸۶/۴/۲۵)	✦ انضباط برآمده از ایمان انسان (۸۶/۴/۲۵)	
✦ بی‌ایمانی (۸۹/۲/۱)	✦ عزم، ایمان (۸۷/۳/۱۴) ✦ هویت انقلابی مبتنی بر تفکر درست و منطق صحیح (۸۶/۴/۲۵)	ویژگی
✦ بی‌بصیرتی و تشخیص ندادن حق و باطل (۸۹/۲/۱)	✦ بصیرت و درک پیچیدگیهای شرایط زمانه (۸۹/۷/۲۹)	

۴ نکته درباره‌ی رشد تفکر و منش انقلابی در حوزه‌ی علمیه قم

مطرح شده در بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم ۹۴/۱۲/۲۵

تفاوت اساسی مبارزات سیاسی در دانشگاه و حوزه‌های علمیه	❖ دانشگاه به‌طور طبیعی جایی است که مبارزات در آن معمولاً پا میگیرد. در همه‌جای دنیا همین‌جور است؛ چون در دانشگاه یک مجموعه‌ی جوان هستند، با مسائل روز آشنایند، طبعاً محیط روشنفکری و آگاهی از مسائل جهانی است؛ [لذا] معترض میشوند و اعتراض میکنند. ❖ میگویند که مثلاً حوزه و دانشگاه بنیانگذار این مبارزات بودند؛ خیلی خوب، حرفی نیست؛ بله، مبارزات دانشگاه، مبارزاتی است که در خود دانشگاه تحولاتی ایجاد میکند، حوادثی در شهرها به‌وجود می‌آورد... ❖ منتها تفاوتش این است که اولاً همه‌ی دانشجویان در مبارزات معمولاً شرکت نمیکنند؛ یک گروهی هستند [که مبارزه میکنند]؛ آن گروه هم فعالیتهایی میکنند، منتها هرگز ما نه در دوره‌ی خودمان، نه در کشور خودمان، نه در کشورهای دیگر ندیده‌ایم که مبارزات دانشجویی در یک جایی منتهی بشود به تغییر نظام و تغییر رژیم و تحول عمومی و انقلاب و از این حرفها؛ حدود دانشجویی این است. ❖ علتش هم این است که دانشجو نفوذ و امتداد اجتماعی ندارد؛ حداکثر تأثیری که دانشجو دارد، این است که در خانواده‌ی خودش یک فکری را ایجاد بکند یا یک چیزی را مثلاً فرض کنید ترویج کند در داخل خانواده یا یک محیطهای محدود. ما قردان مبارزات دانشجویان هستیم.
دو خصوصیت مهم مبارزه‌ی سیاسی حوزه‌های علمیه	❖ مبارزات حوزه اولاً تقریباً همه‌گیر بود؛ یعنی در حوزه‌ی علمیه - نمیخواهیم بگوییم تحقیقاً این‌جور بود - تقریباً همه‌ی طلاب یا اغلب طلاب درگیر مبارزه شدند. وقتی در مبارزات روحانیت، حوزه‌ی قم وارد شد، تقریباً همه درگیر شدند؛ این یک خصوصیت. ❖ خصوصیت دوم، اثرگذاری حوزه‌ی قم بود. حوزه‌ی قم مرکب است از یک مجموعه‌ای که این مجموعه در جامعه میتواند اثر بگذارد. یک جزء این مجموعه، مرجعیت است؛ ... این مرجع تقلید بود که به‌عنوان حکم شرعی و وظیفه‌ی دینی حرف او امتداد پیدا میکرد در بین مردم. ❖ در کنار این، بخش طلابی وجود داشت؛ اگر طلاب نبودند این حرکت گسترش پیدا نمیکرد... یک طلبه وقتی که فرض کنید رفت در یک روستا یا شهر و آن فکر را تبلیغ و تبیین کرد فرقی با یک دانشجو از زمین تا آسمان است؛ دانشجو نمیتواند این کار را بکند اما طلبه میتواند. ❖ شما توجه داشته باشید که این انقلاب عظیم، این پدیده‌ی حیرت‌انگیز، این حادثه‌ای که دنیا را تکان داد منتهی میشود به این حلقه‌ی واسطه، یعنی به حوزه‌ی قم. نسبت حوزه‌ی قم با انقلاب این است.
انقلابی ماندن حوزه‌های علمیه، عامل انقلابی ماندن نظام	❖ حالا حوزه‌ی قم را بخواهند از انقلاب تهی کنند، [این] چیز کوچکی است؛ انگیزه‌هایی وجود دارد برای این کار، حرف من این است. اگر بخواهیم نظام اسلامی انقلابی بماند، اسلامی بماند، حوزه‌ی قم باید انقلابی بماند. ❖ اگر حوزه‌ی قم انقلابی نماند، حوزه‌های علمیه اگر انقلابی نمانند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت. ❖ حوزه‌ی قم پشتوانه [انقلاب] است. حرف من این است که میگویم حوزه‌ی علمیه‌ی قم بایستی به‌عنوان یک حوزه‌ی انقلابی و مهد انقلاب، به‌عنوان آن کوره‌ی آتشفشانی که همین‌طور دارد انرژی انقلابی را صادر میکند از خودش، حضور و ظهور داشته باشد. ❖ تلاش‌هایی دارد انجام میگیرد برای اینکه از حوزه‌ی علمیه‌ی قم انقلاب‌زدایی کنند، باید احساس خطر کنیم. عرض من با شما نمایندگان عزیز طلاب و فضلاء این است: اگر دیدید انقلاب‌زدایی دارد انجام میگیرد باید احساس خطر کنید. ❖ مخالفت با انقلاب هم دوجور است: یک‌وقت صریحاً کسانی با انقلاب مخالفت میکنند - که این هم در حوزه وجود دارد - یک‌وقت هست که نه، صریحاً با انقلاب مخالفت نمیشود، [بلکه] با مبانی و مبادی اعتقادی انقلاب مخالفت میشود؛ روی اینها باید حساس بود.
اسلام ناب، عامل مخالفت‌های با انقلاب اسلامی	❖ جمهوری اسلامی، نظام جهانی ظالمانه را به چالش کشید؛ علت مخالفت با ما هم همین است. و آلا اگر چنانچه اسلام غیر سیاسی، اسلامی که کاری به کار این‌وآن ندارد، اگر یک چنین اسلامی حاکم باشد، نه، هیچ اهمیتی هم نمیدهند و مخالفتی هم نمیکنند. ❖ اگر چنانچه در کارها و حرفهای ما، در جهتگیری‌ها و رویکردهای تبلیغی ما مخالفت با آن مبانی وجود داشته باشد ضدیت با انقلاب و ضدیت با نظام اسلامی و ضدیت با اسلام سیاسی‌ای است که تحقق پیدا کرده. ❖ اسلام سیاسی یعنی اسلامی که سیاست‌گذاری جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده میگیرد؛ یعنی اسلام میشود مدیر جامعه. این بار اولی است که [از صدر اسلام] اتفاق افتاده است؛ این را میخوانند نابود کنند.